

بررسی وثاقت روایات طبری در تاریخ الرسل و الملوك

نمونه موردی: هنادبن سری و عبیدالله بن سعدزهری

محبوبه فرخنده‌زاده*

چکیده

تاریخ طبری از متقدم‌ترین تواریخ عمومی است که به شیوه حدیثی - خبری تدوین شده است. بدین معنی که نویسنده در نقل گزارش‌های تاریخی، سلسله اسناد و روایان اخبار را ذکر کرده است. عدم توجه طبری به روایات موثق و گزارش‌های تاریخی معتبر و مستند، عاملی بوده که برخی از روایات این اثر از اعتبار یکسانی برخوردار نباشد؛ چنانکه گاهی روایات متضاد و متناقض در کنار هم نقل شده است. پژوهش حاضر واکاوی تعیین وثاقت و عدم وثاقت روایات تاریخ الرسل، جرح و تعدیل روایان آن در فاصله زمانی ۱۱ تا ۴۰ ق است. سؤال اصلی نوشتار پیش رو میزان وثاقت روایات تاریخ طبری است؟ یافته‌ها که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بررسی شرح حال مشایخ طبری انجام شده است، نشان می‌دهد که طبری در فاصله زمانی (۱۱-۴۰ ق)، بیشتر از ۸۰۰ روایت از سری و زهری نقل کرده است. در تمامی سلسله اسناد روایات منقول از ایشان، سیف بن عمر تمیمی از روایان اخبار بوده است. شخصیت علمی سیف، وثاقت اخبار و روایاتش از دیدگاه محدثان و رجال‌شناسان متقدم و متأخر مورد نقد جدی است، بنابراین وثاقت، صحت، ارزش و اعتبار روایات طبری در سال‌های (۱۱-۴۰ ق) با توجه به شاخص ارزیابی روات، مورد نقد و تردید است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ الرسل و الملوك، هناد بن سری، عبیدالله بن سعدزهری، سیف بن عمر تمیمی.

* استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

farkhondehzadeh@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۵، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۱

۱. مقدمه

طبری یکی از پرکارترین دانشمندان علوم اسلامی است؛ به ویژه به سبب هر دو اثر ماندگارش که به دست ما رسیده است؛ تاریخ و تفسیر قرآن- بزرگ شمرده می‌شود. اثر مشهور طبری در تاریخ «تاریخ الرسل و الملوك» یا «تاریخ الامم و الملوك» نام دارد که با نام تاریخ طبری مشهور شده است. اثر وی، از آثار جامع در اخبار عالم از ابتدای زمان تا سال ۳۰۲ق است. تاریخ طبری از پر حجم‌ترین آثار متقدم باقی مانده است، بدین معنا که برخی از منابع مفقود در آن قابل بازیابی است. طبری در تفسیر و فقه ید طولایی داشته و از این جهت، تألیف تاریخ خود را به سبک حدیث و فقهو با ذکر اسناد و روایات نوشته است. او بخش اسلام اثر خود را به ترتیب سنوات تنظیم کرده، به این شیوه که سند هر روایت را آورده و هر روایت را به راوی اصلی و هر قولی را به گوینده آن باز می‌گرداند. در واقع وی تاریخش را به شیوه حدیثی-خبری نگاشته است، بنابراین در خلال اسانید روایاتش الفاظی را به کار می‌برد که دلالت بر شنیدن دارد مانند «حدثنی و حدثنا». اما صحت اسانید و ارتباط آنها به این معنی نیست که این روایات را از طریق مشافهه اخذ کرده است، زیرا به نظر می‌رسد هر مورخی برای نقل حدیث ناگزیر از رجوع به منابع مدون است (ملحم، ۱۹۹۸: ۷۷). با رجوع به تاریخ طبری متوجه خواهیم شد که وی روایات وقایع مختلف را از منابع مکتوب نقل می‌کند؛ مانند «زیاد بن ایوب کتابی برای من فراهم کرد» (طبری، بی‌تا: ۲۹۰/۴) و یا روایات را از طریق مکاتباتش اخذ کرده است: «السریّ از شعیب و او از سیف بن عمر برای من چنین نوشت» (همو، ۱۸۶/۳). دیدگاه غالبی وجود دارد که طبری منابع اثر خود را به صورت شفاهی در اختیار داشته است (سزگین، ۱۳۸۰: ۱/۴۵۸)، اما به نظر می‌رسد تصویر روشن و منطبق بر حقیقت درباره منابعی که طبری به آنها استناد کرده، در دسترس نباشد. طبری نیز مطالب دست‌نوشته خود را به مانند دیگر تاریخ‌نگاران و محدثان هم‌عصر خود صرفاً از نوشته‌هایی که در اختیار داشته، جمع‌آوری کرده است. چنانکه اشپولر می‌نویسد: «نوع تمایلات طبری که دانشمندی را نه از راه مشاهده بلکه از طریق کتب علم آموخته بود، او را در زمره سنت عربی درآورد» (اشپولر، ۱۳۷۷: ۱/۲۳).

روش نقل روایات و ذکر سلسله اسناد آن، این امکان را برای پژوهشگر فراهم کرده است که شخصیت علمی راویان و وثاقت روایات تاریخ الرسل را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد؛ تا از این رهگذر بتوان ارزش تاریخی این اثر را در میان آثار و کتب تاریخی معرفی کرد.

مسئله اصلی نوشتار پیش‌رو بررسی و واکاوی وثاقت روایات و درستی اخبار و حوادث تاریخ طبری به نقل از هناد بن سَری و عبیدالله بن سعد زهریاست. برای پاسخ به این پرسش ناگزیر از بررسی شرح حال راویان و تعیین میزان وثاقت ایشانیم تا با نشان دادن شواهد تاریخی روشن، درستی و یا نادرستی روایات تاریخی مورد نظر تعیین گردد.

۲. مشایخ طبری

طبری علوم خود را نزد شمار بسیاری از دانشمندان آن دوره فراگرفت. وی در سن بیست سالگی شهر خود آمل را برای تحصیل علم و دانش ترک گفته و به مراکز علمی گوناگون عصرش ری، بغداد، بصره، کوفه، شام و مصر مسافرت کرد و در طول سفر از حلقه درس محدثان، فقیهان، قاریان، لغت‌دانان و نحویان بهره برد. سرانجام بعد از یک سفر طولانی رحل اقامت در بغداد افکند؛ در حالی که توشه‌ای از علوم اسلامی چون فقه، حدیث، تفسیر و تاریخ را با خود داشت. اشتغال نخست وی به علم حدیث در ری و نواحی اطراف آن بود. مشایخ برجسته وی در شهر ری، ابو عبدالله محمد بن حمید بن حیان رازی (م ۲۴۸ق)، احمد بن حماد دولابی و مثنی بن ابراهیم اُبلی (یا قوت حموی، بی تا: ۴۹/۱۸) و محمد بن مقاتل رازی (م ۲۴۸ق) بودند (ملحم، ۱۹۹۸: ۶۱). از معاریف استادانش در بصره می‌توان محمد بن موسی خَرشی (م ۲۴۹ق)، محمد بن بشار معروف به بندار (م ۲۶۷ق)، عماد بن موسی قَزاز (م بعد از سال ۲۴۰ق)، محمد بن عبدالاعلی صنعانی (م ۲۴۵ق) را نام برد (یا قوت حموی، بی تا: ۵۰/۱۸). در کوفه حدیث را به روایت ابو محمد اسماعیل بن موسی فزاری (م ۲۴۵ق)، ابوکریب محمد بن علاء هَمَدانی (۲۵۰-۱۶۱)، هناد بن سَری بن یحیی (م ۲۴۳ یا ۲۴۵ق) و موسی بن عبدالرحمان مسروقی (م ۲۵۸ق) اسحاق بن ابی اسرائیل کامجر (م ۲۴۵ق)، ابویعقوب مروزی (م ۲۴۵ق) (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۲۴؛ ابن ناصرالدین، ۱۴۱۴: ۱۴۷/۸)، ابوعلی بغدادی زعفرانی (م ۲۶۰ق) (ملحم، ۱۹۹۸: ۶۱)، زبیر بن بَکَّار (خطیب بغدادی، بی تا: ۴۶۷/۸) و عبیدالله بن سعد زهری (همو، ۳۲۴/۱) استماع کرد. در مصر از ابوالحسن علی بن سراج مصری، ربیع بن سلیمان مرادی (م ۲۷۰ق)، ابوموسی یونس بن عبدالاعلی صدقی (م ۲۶۴)، محمد بن عبدالله بن عبدالحکم (م ۲۶۸ق)، عبدالرحمان بن عبدالله بن عبدالحک (م ۲۵۷ق) روایت اخذ کرد (یا قوت حموی، بی تا: ۵۲/۱۸-۵۵؛ مزّی، ۱۴۱۴: ۲۱۳/۱۷).

از آنجایی که هدف نوشتار بررسی وثاقت روایات تاریخ طبری به نقل از سَری و زهری است؛ بنابراین در ادامه شرح مختصری از زندگی‌نامه و حیات علمی آنها ارائه می‌شود. نکته

شایان توجه آنکه طبری در فاصله زمانی موردنظر (۱۱-۱۳۲ق) از مشایخ خود سرّی و زهری تا پایان سال ۴۰ق اخبار و روایات تاریخی آورده است و بعد از گذشت این سال روایتی به نقل از آنها در تاریخ طبری مشاهده نمی‌شود.

۱.۲ هناد بن سرّی (۱۵۲-۲۴۳ق)^۱

از شیوخ کوفه و حافظان حدیث و صاحب اثری با نام «الزهد» است (زرکلی، ۱۹۶۸: ۹۲/۸). سرّی از مشایخ بلاواسطه طبری است و روایاتش یکی از منابع مهم اثر او در حوادث مربوط به سده‌های نخست صدر اسلام است. طبق گزارش طبری در اثر تاریخی‌اش، وی با سرّی مکاتبه و مراسله داشته و اخبار ردّه و حوادث صدر اسلام را به روایت از او نقل کرده است (طبری، بی تا: ۱۸۶/۳؛ جوادعلی، ۱۹۵۴: ۲۶). با وجود کثرت روایات از سرّی، از زندگینامه و حیات علمی وی آگاهی چندانی در دست نیست. به نظر می‌رسد، سکوت اصحاب تراجم درباره وی، آنستکه سرّی صاحب تألیف نبوده و از راویان کتب سیف بوده است. سرّی روایات سیف بن عمر را به نقل از شعیب بن ابراهیم کوفی گرفته است (جوادعلی، ۱۹۵۴: ۵۰). گرچه با توجه به نحوه‌ی اخذ روایات از سرّی که به صورت «ذکر عن، حدیثی و کتب الی»، می‌باشد؛ این گونه استدلال می‌شود که طبری روایات خود را از وی بلاواسطه اخذ نکرده بلکه از شخص دیگر و یا از کتابش گرفته است. اما جوادعلیقیده دارد که با بررسی تاریخ الرسل می‌توان دریافت که طبری آثار سیف را نزد شیخ خود سرّی خوانده است (همانجا).

۲.۲ ابوالفضل عبیدالله بن سعد بن ابراهیم زهری عوفی (م ۲۶۰ق)

زهری روایات و اخبار تاریخی خود را از پدر و عمش یعقوب گرفته است. از عبیدالله زهری، طبقه‌ای از ثقات که از بزرگان علم حدیث بودند؛ چون نسایی، ترمذی و بخاری روایت کرده‌اند (خطیب بغدادی، بی تا: ۳۲۴/۱۰). طبری روایات سیف بن عمر را به نقل از عمش یعقوب که خود او از روایان کتاب سیف بوده در اثرش آورده است (جوادعلی، ۱۹۵۰: ۵۲). در مجموع در تاریخ طبری ۷۸۰ روایت از سرّی نقل شده است که موضوع روایات آن عبارت است از مدعیان پیغمبری: ۴۰ روایت، واقعه ارتداد: ۳۸ روایت، وقایع خلافت ابوبکر: ۴۴ روایت، وقایع خلافت عمر: ۹۴ روایت، وقایع خلافت عثمان: ۱۱۰ روایت، وقایع خلافت حضرت علی (ع): ۹۸ روایت و موضوع فتوحات در ایران ۳۵۶ روایت.

طبری از شیخ دیگر خود زهری ۶۰ روایت در موضوعات وفات پیامبر و واقعه سقیفه ۳: روایت، خلافت ابوبکر: ۸ روایت، مدعیان پیغمبری: ۱۳ روایت، ارتداد: ۶ روایت، خلافت عمر و فتوحات در ایران: ۳۰ روایت آورده است.

۳. نحوه اخذ روایت (طرق تحمل حدیث)

شیوه اسناد طبری به روایات سری و زهری، روش سماع و مکاتبه بوده است. سلسله اسناد روایات مأخوذ از سری و زهری به این طریق است: «کتب الیٰ هناد بن سری عن شعیب بن ابراهیم تمیمی عن سیف بن عمر»، (طبری، بی تا: ۱۸۰/۳) و «حدیثنا عبیدالله بن سعد زهری عن عمی یعقوب حدیثنی سیف بن عمر» (همان، ۱۸۶/۳).

ارزیابی نحوه اخذ روایات، مستلزم بررسی واژه‌های دال بر اسناد است که معانی متفاوتی از لحاظ اخذ روایت دارند؛ یعنی بحث در طرق تحصیل حدیث که شامل سماع، قرائت، مکاتبه و... می‌باشد. از آنجایی که روایات طبری به نقل از مشایخ خود سری و زهری به صورت سماع و مکاتبه است، تنها به بررسی آن دو مورد، بسنده می‌شود.

۱.۳ سماع

نزد محدثین بالاترین طرق تحصیل حدیث است و آن بدین صورت است که راوی حدیث را خود از شیخ شنیده باشد؛ شیخ ممکن است که حدیث را از حافظه و یا از کتابی خوانده باشد. بنابراین هرگاه راوی به سماع از شیخ، بخواهد آن مسموع را برای غیر روایت کند، بگوید: «سمعتُ فلاناً» و این لفظ بالاترین عبارت در ادا نمودن مسموع است، زیرا صریحاً بر سماع دلالت می‌کند. بعد از لفظ «سمعنا»، دو لفظ «حدیثنی و حدیثنا» است که آن دو نیز دلالت بر خواندن شیخ بر راوی می‌کند (حلی، ۱۳۶۱: ۶۳/۱).

۲.۳ عرض

یکی دیگر از طرق تحمل حدیث بوده که در آن راوی حدیث را بر شیخ می‌خوانده و از او تأیید دریافت می‌گرفته است. تعبیری که برای عرض کاربرد داشته «قرأت علی، فأقر اخبرنی قراءه» بوده است (پاکتچی، ۱۳۸۵: ۶۴۴/۱۴).

۳.۳ مکاتبه یا کتابت

آنکه شیخ نسخه‌ای از کتاب یا مرویات خویش را نوشته و به کسی که خواهان اخذ حدیث از اوست، آن را بدهد (همانجا). در این شیوه راوی ارتباط حضوری با شیخ نداشته‌است. در مکاتبه به هنگام روایت از اصطلاح «کتب الی فلان، قال، حدّثنا، أخبرنی مکاتبه» تعبیر می‌شود (حلی، ۱۳۶۱: ۸۰/۱).

درباره اهمیت روش‌های طرق تحصیل حدیث نظرات مختلفی از سوی محدثان نقل شده که به اجمال اشاره می‌شود. نزد جمهور محدثان، سماع بالاترین طریق تحصیل حدیث است که با اصطلاح «سمعتُ و سمعنا» و همچنین اصطلاح «حدّثنی و حدّثنا» تعبیر می‌شود (همان، ۶۳). درباره مکاتبه گفته شده‌است که هر گاه مکاتبه با سماع معارضه نماید در وجوه صحت و غیر آن مساوی باشند، سماع بر مکاتبه ترجیح دارد (همان، ۸۰).

نکته قابل تأمل آنست که در سلسله اسناد روایات زهری و سرّی، سیف بن عمر تمیمی از راویان اخبار بوده‌است. تنها، سلسله اسناد یک روایت زهری که درباره کی از حوادث دوران خلافت عمر است، به سیف نمی‌رسد (طبری، بی تا: ۲۰۷/۴). بنابراین بیشتر اخبار و روایات تاریخ طبری در فاصله زمانی ۱۱-۴۰ ق، به ویژه در موضوع اخبار رده، فتوحات و نبرد جمل با واسطه سرّی و زهری، از سیف بن عمر تمیمی نقل شده‌است. شیوه روایات طبری به نقل از سرّی و زهری به این گونه است: «کتب الی السری، عن شعیب بن ابراهیم، عن سیف بن عمر»؛ «حدّثنا عبیدالله بن سعد الزهری، قال: حدّثنی عمی یعقوب بن ابراهیم قال: أخبرنا سیف بن عمر».

از آنجایی که مسئله نوشتار پیش‌رو ارزیابی وثاقت روایات و اخبار طبری به نقل از زهری و سرّی است؛ بنابراین ضرورت دارد به شخصیت سیف و جایگاه علمی وی نیز اشاره شود.

۴. سیف بن عمر تمیمیبرجمی اُسیدی^۲ کوفی

درباره زندگی سیف اطلاع دقیقی در دست نیست، جز آنکه در اواخر خلافت بنی‌امیه در کوفه می‌زیست (عسکری، ۱۴۰۳: ۳۸۱/۲). اصلش از کوفه بود و از راویان کوفی، بصری و حجازی محسوب می‌شد (ابن حبان، ۱۴۲۰: ۴۳۹/۱؛ دارالقطنی، ۱۴۰۶: ۱۰۴). سیف از نسل سوم تابعان اخباری است که در مدینه رشد و پرورش یافت، سپس به عراق کوچ کرد و در کوفه منصور خلیفه عباسی (۱۳۶-۱۵۸ ق) را ملاقات کرد (دوری، بی تا: ۳۷؛ شاکر، ۱۹۷۸: ۱۸۰/۱).

منابع، درباره روابط سیف با دولت امویان یا عباسیان مطلبی نگفته‌اند (ملحم، ۱۹۹۸: ۷۳). او از قدیمی‌ترین مؤلفان تک‌نگار در عصر عباسی به شمار می‌رود و گردآورنده کتاب‌های فتوح است؛ اما محدثان به وی و روایاتش اهمیتی نداده‌اند (سزگین، ۱۴۰۳: ۱۳۳/۱). علاوه بر این درباره اخبار تاریخی اسلام و سیره اطلاعی گسترده داشته‌است. با توجه به درگذشت مشایخ و راویان سیف، زمان وفاتش را دوران خلافت هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق) تخمین زده‌اند (خزرجی، بی‌تا: ۴۳۶/۱؛ ابن حجر، بی‌تا: ۵۸۳/۳؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۵۶/۲). همچنین در گزارش دیگر به نوشته صاحب هدایه العارفین آمده‌است که وی در بغداد به سال ۲۰۰ق، دوران خلافت هارون الرشید (خلافت: ۱۷۰-۱۹۳ق) درگذشت (پاشا، ۱۹۵۱: ۴۱۳). این گزارش با توجه به وفات هارون به سال ۱۹۳ق، صحیح نیست.

۱.۴ تألیفات سیف^۳

سیف صاحب تألیفات بسیاری نیست و روایاتی که از او نقل شده‌است، دلالت بر تألیف دو کتاب دارد؛ ۱. «الفتوح الکبیر و الردّه» و «یا الفتوح» و «الردّه» (سمعانی، ۱۴۰۸: ۱۵/۱؛ مزّی، ۱۴۱۴: ۲۴۹/۸؛ خزرجی، بی‌تا: ۴۳۶/۱؛ سزگین، ۱۴۰۳: ۱۳۳/۱) و ۲. «الجمل و مسیر عایشه و علی» (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۳۷). ممکن است سیف کتاب دیگری درباره واقعه یوم الدار (کشته شدن عثمان) داشته‌باشد؛ اما درست‌تر چنین به نظر می‌رسد که عنوان کتاب دومش به طور کامل «کتاب الفتنه و الجمل و مسیر عایشه و علی» (ملحم، ۱۹۹۸: ۷۴) بوده‌است. ^۴ «الفتوح الکبیر و الردّه»^۵ عنوان کتابی است که در آن سیف، روایات تاریخی حوادث نزدیک به رحلت پیغمبر تا زمان خلافت عثمان را نقل کرده‌است. اثر دیگر وی «الجمل و مسیر عایشه و علی» است که در آن روایات و حوادث مربوط به شورش علیه عثمان، کشته شدنش و جنگ جمل نقل شده‌است.^۶ کتاب وی در زمینه فتوح منبع مهمی برای تاریخ‌نگاران بعدی بود، زیرا گزارش فتوحات را به طور جامع در برداشت و اسنادهای آن کامل بود. جواد علی معتقد است که سیف اثر دیگری درباره سیره و حوادث اسلامی داشته که نسبت به دو کتاب قبل وی از اهمیت کمتری برخوردار بوده است و چه بسا ممکن است تا قبل از روزگار ابن ندیم از میان رفته باشد (جواد علی، ۱۹۵۴: ۵۲). البته وی برای ادعای خود نظری ارئه نکرده‌است.

۲.۴ مشایخ و شاگردان سیف

نام شیوخ روایی سیف در کتب رجالی ذکر شده است. سیف روایات خود را در اخبار اسلام از عده ای از راویان مهم تاریخ اسلام، اخذ کرد: عبیدالله بن عمر، عروه بن زبیر (م ۹۴ق)، هشام بن عروه، موسی بن عقبه (م حدود ۱۴۱ق)، محمد بن اسحاق (۱۵۱ یا ۱۵۳ق)، محمد بن سائب (م سده دوم). سیف در اخبار سیره از روایات طلحه بن اعلم و محمد بن عبدالله بیشترین استفاده را برده و حدود ۱۰۰ روایت از آنها نقل کرده است. (دوری، بی تا: ۱۲۱؛ شاکر مصطفی، ۱۹۷۸: ۱۸۰/۱). علاوه بر این بیش از ۶۰ روایت به نقل از محمد بن اسحاق آورده است (مزّی، ۱۴۱۴: ۲۴۹/۸). هشام بن عروه (م ۱۴۶ یا ۱۴۷ق) از محدثان مدینه، نسب شناس و اخباری است که روایاتش از مصادر سیف در نقل اخبار و وقایع تاریخی چون جنگ جمل می باشد (شاکر مصطفی، ۱۹۷۸: ۱۸۱/۱). کوفیان احادیث عایشه را به نقل از ابن زبیر از سیف اخذ کردند، اما اهل مدینه احادیث و روایات سیف را ضعیف دانسته اند (همان، ۱۸۰؛ دوری، بی تا: ۳۷). سیف در اخبار فتوحات به روایات کوفی اعتماد کرده و آن را با روایات مدنی و شامی تکمیل کرد. (دوری، بی تا: ۳۸) اما در حوادث رده علاوه بر اخبار راویان کوفی به روایات مدنی نیز استناد کرده و روایات هشام بن عروه (۱۴۶ق) و موسی بن عقبه (۱۴۱ق) را نقل کرده است. هر چند سیف در نقل حوادث، از روایات مدنی استفاده کرده است، با این حال روایات عراقی مقدم اند (عرموش، ۱۴۱۳: ۷؛ دوری، بی تا: ۳۷). از آغاز گسترش روایات سیف، محدثان، مورخان و محققان محتوا، اسناد روایت، مشایخ و راویان سیف را بررسی و ارزیابی و با مقایسه روایات و گزارش های تاریخی وی با مورخان دیگر به نقد شخصیت و آثار وی پرداخته اند. چنانکه به اعتقاد اشپولر «اخبار سیف و سایر «ضعفاء» در بعضی موارد اگر برای تعیین زمان وقایع نباشد، حتماً باید از لحاظ های دیگر سنجیده شود» (اشپولر، ۱۳۷۷: ۲۴/۱). پژوهش ها و بررسی های موجود حاکی از آنست که شمار بسیاری از شیوخ روایی وی از راویان مجهول هستند (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۵۵/۲). با بررسی فهرست راویان وی نیز به این نکته می رسیم که تعداد قابل توجهی از راویان سیف و منزلت آنها از افراد ناشناخته بوده اند (مزّی، ۱۴۱۴: ۲۵۰/۸).

در بررسی سلسله اسناد روایات سری و زهری شیوخ بلاواسطه طبری، شعیب بن ابراهیم کوفی و یعقوب بن ابراهیم زهری از راویان سیف بوده اند؛ بنابراین تنها به حیات علمی آنها اشاره می شود.

از زندگینامه و حیات علمی شعیب بن ابراهیم رفاعی کوفی هیچ اطلاعی در دست نیست؛ تنها در منابع به این نکته اشاره شده که از راویان سیف^۷ بوده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۱۰۶؛ مزّی، ۱۴۱۴: ۲۵۰/۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۵۵/۲). در تاریخ طبری، حدود ۷۸۰ روایت از سرّی ثبت شده که تمامی اسناد روایات با واسطه شعیب بن ابراهیم به نقل از سیف بن عمر بوده است (فرخنده‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۲). بنابراین گرچه سرّی استاد طبری در منابع رجالی و حدیثی توثیق شده است، اما از آنجایی که وی از راویان فرد مجهول و ناشناخته‌ای مانند شعیب بوده، روایات سرّی قابل اعتماد نبوده و مردود شناخته می‌شود. روایات سیف بن عمر باردیگر از طریق عبیدالله بن سعد زهری با واسطه عمش یعقوب، به تاریخ طبری راه یافته است.^۸ یعقوب بن ابراهیم از راویان شعر، حدیث و صاحب اخبار بوده است. یعقوب از شاگردان و راویان پدرش ابراهیم بن سعد و سیف بوده است و طبقه‌ای از محدثان بزرگ مانند نسایی، احمد بن حنبل و ترمذی از او روایت کرده‌اند (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۴۰۴/۱۶؛ مزّی، ۱۴۱۴: ۱۵۲/۲۰). یعقوب گرچه در زمره ثقات بوده و به صداقت وی تأکید شده است (ذهبی، ۱۴۱۹: ۲۴۵/۱؛ مزّی، ۱۴۱۴: ۱۶۱۶/۲۰)؛ اما این امر هیچ دلالت و التزامی مبنی بر توثیق و تأیید روایات وی به نقل از سیف به شمار نمی‌رود.

۳.۴ جایگاه علمی و روایی سیف بن عمر

آنچه در اینجا قابل بررسی است جایگاه سیف در میان محدثان و مورخان و نیز میزان وثاقت روایات اوست. واکاوی منابع موجود حاکی از آنست که سیف مورد طعن، لعن و مذمت تمام محدثین و مورخین می‌باشد (جوادعلی، ۱۹۵۰: ۱۸۲). سیف متهم به جعل حدیث است، به این معنی که احادیث جعلی را به موثّقین نسبت می‌داده است (ابن حبان، ۱۴۲۰: ۴۳۹/۱؛ جوزی، ۱۴۰۶: ۳۵/۲). برخی او را زندیق دانسته (ابن حبان، ۱۴۲۰: ۴۳۹/۱؛ ابن حجر، بی‌تا: ۵۸۳/۳؛ ذهبی، ۱۴۰۸: ۳۷۱/۱) و متهم به بی‌دینی است؛ هرچند برخی از رجال‌شناسان وی را از این اتهام بری دانسته‌اند. روایاتش ضعیف، متروک، باطل، منکر و ساقط دانسته شده (ابوحاتم رازی، ۱۳۷۲: ۲۷۸/۲؛ ابن عدی، ۱۴۱۸: ۵۰۷/۴؛ ابن حجر، بی‌تا: ۵۸۳/۳) و در روایت حدیث متهم است (شاکر مصطفی، ۱۹۷۸: ۱۸۰/۱).

درباره دیدگاه نقادان و محدثان درباره سیف ذکر نکاتی ضروری به نظر می‌رسد که محدثان در جرح و تعدیل راویان، سلوک اخلاقی و روایات و اقوال آنها را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و سپس به تضعیف و وثاقت حکم می‌دادند. ارزیابی و نقادی نیز تنها

اختصاص به احادیث نبوی نداشت؛ زیرا تا نیمه دوم قرن دوم علوم از یکدیگر تفکیک نشده بود و تمام روایات اعم از سیره، مغازی، اخبار تاریخی و یا احادیث نبوی به یک شیوه به راوی منتقل می‌شد. نکته دیگر روش اسنادی منحصر به کتب حدیثی نبود و در آثار تاریخی، تراجم و حتی ادبی نیز استفاده می‌شد؛ از اینرو قوانین آن که مفهومی جز جرح و تعدیل نداشت، در سایر علوم هم رعایت می‌شد. بنابراین جرح و تعدیل سیف تنها محدود به احادیث نبوی نبوده است. دیدگاهی دیگر درباره سیف آنست که وی را رکنی در تاریخ (ابن حجر، ۱۴۱۷: ۱۰۰/۸)، از اخباریان آگاه (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۵۵/۲) و پیشوای علم تاریخ شمرده‌اند (ملحم، ۱۹۹۸: ۷۳). به نوشته عزیزی تنها برداشتی که می‌توان از سخن ابن حجر و ذهبی آنجا که از سیف با عنوان «عمده فی التاریخ» و یا «أخباریاً عارفاً» یاد کرده‌اند، داشت؛ اشاره به نقش سیف و روایاتش در میان مورخان دارد (عزیزی، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۰۸).

۴.۴ نقد روایات سیف بن عمر

طبق بازخوانی و واکاوی منابع روشن شد که به اجماع نظر تمام مورخان و محدثان روایات سیف مردود شناخته شده است. با مقایسه روایات سیف با اخبار منابع دیگر، علاوه بر فهم نادرستی اخبار و تناقض و تضاد گزارش‌های تاریخی وی با سایر روایات؛ این نکته به دست می‌آید که سیف عامدانه به تحریف تاریخ، سندسازی، خلق شخصیت‌های ساختگی و اماکن^۹ ناشناخته دست زده است. علامه عسگری تحقیقی ارزشمند در این زمینه انجام داده است که ثمره آن تألیف دو کتاب با عنوان «صد و پنجاه صحابه ساختگی» و «عبدالله بن سبا» است. به نوشته او:

سیف بن عمر صدها صحابه، راویان حدیث، جنگ، سرزمین، قصیده و شعر، نامه و روایاتی که اصلاً وجود نداشته، ساخته است. به هر یک از آنان نام و عنوان خاصی داده و به نام ایشان داستان، وقایع تاریخی، اخبار فراوان، شعر و حدیث نسبت داده و همه آنها را با همان نام و نشان و خصوصیتی که جعل کرده در دو کتاب خود آورده است (عسگری، ۱۴۰۳: ۷۶/۱، ۳۶۶/۲؛ همو، ۱۳۸۷: ۹۰).

به منظور نقد و بررسی تحریفات وی درباره اخبار فتوح (عسگری، ۱۴۰۳: ۲۸/۱-۷۰؛ عزیزی، ۱۳۹۱: ۳۲۷)، به روایت وی مربوط به گزارش فتح شهر اصفهان پرداخته می‌شود. در منابع تاریخی درباره فتح اصفهان به دست اعراب اختلاف وجود دارد. گروهی فتح را به

عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی و برخی به عبدالله بن عبدالله بن عتبان اسدی نسبت می‌دهند. فتح اصفهان به دست عبدالله بن بدیل را بسیاری از مورخان چون یعقوبی (۱۹۶۰: ۴۹/۲) بلاذری (۱۴۱۲: ۳۵۷-۳۵۸)، و حتی طبری (بی تا: ۱۴۰/۴) گزارش کرده‌اند. روایت دیگر درباره فتح اصفهان ساخته سیف بن عمر تمیمی است که طبری با اسناد روایی دیگر به آن اشاره کرده است:

عمر پرچمی برای عبدالله بن عبدالله بن عتبان بست و به سال ۲۱ هجری به او فرمان داد که به اصفهان رود. عبدالله از نهبوند به سوی اصفهان رفت و شهربراز را بکشت و با استاندار آن ناحیه صلح کرد (همان، ۱۳۷/۴-۱۳۹).

فتح اصفهان به دست عبدالله بن بدیل مورد تأیید و گزارش همه مورخان بوده است، (ابونعیم، ۱۹۳۱: ۶۲/۱) بنابراین روایت طبری به نقل از سیف، ساختگی می‌باشد.^{۱۰}

تضاد اخبار سیف با گزارش های مورخان دیگر بوده که ابن فرخان مالکی نوشته است: «تحریفات سیف که بیشتر از ۹۰ درصد از روایات وی را در برمی‌گیرد که باید با آن وداع کرد و به تاریخ سپرد» (ابن فرحان، ۱۴۲۱: ۴۹، ۶۲).

از دیگر تحریفات سیف داستان که بازتابی گسترده در عرصه کلام، اندیشه و تاریخ داشته است، داستان عبدالله بن سبا می‌باشد. به گزارش سیف بن عمر، عبدالله بن سبا، برای نخستین بار علی (ع) را وصی رسول الله (ص) و خلفا را غاصب معرفی کرد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳/۲۳۵). مقایسه اخبار سیف درباره حوادث خلافت عثمان (۲۳-۳۵ق) با گزارش مورخان تضاد آشکار دارد (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۳، ۱۷۵؛ ابن فرحان، ۱۴۲۱: ۶۹). این داستان نخستین بار در تاریخ طبری به روایت سیف آمده است و تاریخ‌نویسان بعدی چون ابن اثیر (م ۶۳۰ق)، ابن عساکر (م ۵۷۱ق)، ابن کثیر (م ۷۴۱ق)، ذهبی (م ۷۴۷ق) و ابن خلدون این داستان را از طبری که ناقل دیگری جز سیف بن عمر نداشته است، گرفته و در آثار تاریخی خود ضبط نموده‌اند. پژوهش‌های جدید مستشرقان و محققان اهل سنت چون برناد لوئیس (۱۳۷۰: ۶۵)، بروکلیمان (بی تا: ۳۶۷/۲)، طه حسین (۱۹۷۰: ۹۰-۹۳)، ولهاوزن، (۱۳۷۵: ۳۸) مادلونگ، (۱۳۷۷: ۱۳۰) ابن فرحان مالکی (۱۴۲۱: ۷۹)، کایتانی، فریدلیندر، فان فلوتن و دیگران در تحقیقی انتقادی آثار سیف و روایات او از جمله شخصیت و نقش‌ابن سبا را مورد نقد و واکاوی قرار داده‌اند به ساختگی بودن داستان اشاره داشته و آن را آفریده اندیشه سیف دانسته‌اند. بروکلیمان معتقد است روایات سیف حاوی داستان‌های تخیلی و خارج از قواعد

نقد صحیح می‌باشد(بی تا: ۳۶/۲). تحریفات و اخبار جعلی سیف بسیار است که به منظور جلوگیری از اطلاع کلام خودداری می‌شود.^{۱۱}

حال سؤالی که پیش می‌آید اینست که هدف و انگیزه اصلی سیف از تحریف اخبار تاریخی چه بوده است؟. تعصب شدید قبیله‌ای، بیان افتخارات و بزرگی‌های قبیله تمیم، تلاش برای جلب نظر منفعت خلفا و خواسته عموم مردم را باید از جمله عوامل تحریفات و تصرفات سیف در تاریخ اسلام دانست.

سیف در روایاتش نگرشی منطبق با دیدگاه‌های مکتب عراق به حوادث داشته و حوادث فتنه عثمان را از دیدگاه عراقیان ارائه داده است. وی در بحث از فتوحات مسلمین آشکارا از عراق به ویژه کوفه جانب‌داری کرده است. بدین جهت در روایاتش گرایش به ذکر افتخارات قبیله‌ای و دیدگاه عراقی به صورت عام آشکار است. اخبار و روایات سیف در هر دو اثرش منعکس از روایات قبیله خود، تمیم است که نقش مردان و رهبران آن را در حوادث برجسته کرده است (شاکر مصطفی، ۱۹۷۸: ۱/۱۸۰؛ دوری، بی تا: ۳۷). ولهاوزن می‌نویسد:

اگرچه روایات سیف بن عمر به لحاظ بیان وقایع تاریخی از نظم و ترتیب برخوردار است؛ ولی این روایات دربردارنده روایات عراقی مربوط به آن عصر است که به لحاظ اعتبار تاریخی، از کم ارزش‌ترین روایات در برابر روایات مدنی محسوب می‌شود. زیرا روایات مدنی دقیق‌تر و صادق‌تر از دیگر روایات است و به خاطر همین ویژگی، استناد به روایت مدنی در بررسی تاریخ عصر خلفای راشدین لازم است» (۱۳۷۵: ۲۵).

به اعتقاد ملحم این اتهام یعنی جانب‌داری از عراقیان گرچه تا اندازه‌ای درست است اما به شدت یا وسعتی که بررسی‌های جدید تصور کرده‌اند، نیست» (ملحم، ۱۹۹۸: ۷۲). در این میان تنها محمد عنان ملحم از متأخران نظر مساعدی نسبت به سیف و اخبارش دارد و معتقد است چون سیف به روایات تاریخی خود در موضوعاتی چون رده، فتوح و نقش عبدالله بن سبا در ایجاد فتنه، اعتقاد و اطمینانی نداشته است همین امر موجب اتهام وی به جعل حدیث و تحریف تاریخ گردید. به نوشته او «سیف به خاطر بیان دقیق خود درباره حوادث فتنه، آن هم به شکل مرتبط و مفصل، متمایز از دیگران است. شیوه بیان او از ویژگی توصیف، تبیین و حیات برخوردار است، اما به خاطر بی‌نظمی در ثبت حوادث و تناقض برخی از روایاتش مورد انتقاد قرار گرفته است. لیکن مسئولیت این امر رانمی‌توان به عهده او گذاشت؛ چون وی سعی می‌کرد اخبار را به همان طریقی که گردآوری کرده، ارائه

دهد. بدین ترتیب چه بسا همین بی‌نظمی در تعیین زمان دلالت بر بی‌غرضی، صداقت و دقت او داشته باشد» (همانجا). اما با توجه به جایگاه علمی سیف و مقایسه‌مجملی از اخبار و روایاتی که به نقل از او آمده با دیگر منابع و گزارش‌های تاریخی، به طور قطع دیدگاه افرادی چون ملحم که آثار وی را بدون نقد پذیرفته‌اند، معتبر نمی‌باشد.

درباره علل انتشار روایات سیف می‌توان به تعصب قبایل، هم‌سویی روایات وی با نظرات حکومت‌های وقت (اموی و عباسی) و حتی مستشرقین اشاره کرد (عسکری، ۱۴۰۳: ۳۱۷/۱). نقدهای تاریخی نشان داده است که تاریخ‌نگاران فتوح چون سیف بن عمر و دیگران زمینه و بستری برای داستان‌های فتوح فراهم ساخته‌اند که با عرضه رویدادها به شکل داستان‌های متنوع و به اسلوب ایام‌العرب علاوه بر اقبال عمومی، سبب شدند تا تاریخ‌نگارانی چون طبری بیش از استحقاق آثارشان به آن کتب ارج نهند (روزنتال، ۲۱۴/۱۳۶۵: ۱؛ ابن‌فرحان، ۱۴۲۱: ۶۹).

۵. طبری و روایات سیف

شهرت سیف در اخبار رده به کتاب «الفتوح الکبیره و الردّه» می‌باشد که طبری در تاریخ الرسل والملوک از آن استفاده کرده است. همچنین طبری روایات مربوط به اخبار جنگ جمل را از اثر دیگر او «الجمل و مسیر عایشه و علی» آورده است. این اثر منبع مهمی برای تاریخ طبری بوده و جایگاه برجسته‌ای در بین روایات تاریخش دارد (جوادعلی، ۱۹۵۰: ۱۷۹؛ ۱۹۵۴: ۴۱، ۴۹).

طبری در اخبار مربوط به حوادث و فتوحات دوران خلفای راشدین و اخبار رده، روایات سیف را مرجع اولیه خود قرار داده است (همو، ۱۹۵۰: ۱۸۲؛ ملحم، ۱۹۹۸: ۷۴). وی در وقایع رده، در حالی منحصراً به روایات سیف رجوع می‌کند، که اخبار مورخان دیگری مثل واقدی (م ۲۰۷ق)^{۱۲} و مدائنی (م ۲۲۴ق)^{۱۳} وجود داشته که به داشتن اطلاعات وسیع درباره حوادث رده معروف و حتی هر یک از آن دو در این زمینه صاحب اثر بوده‌اند. علاوه بر آثار مدائنی و واقدی منابع جامع‌تر و نزدیک‌تر به حادثه، روایات افرادی مانند ابومخنف لوط بن یحیی (م ۱۵۷ق) نیز در دسترس بوده که طبری به آن منابع اهمیت نداده است. به گفته ابن‌ندیم، ابومخنف بیش از دیگران به اخبار عراق و فتوحات آگاهی داشته است (۱۳۶۶: ص ۱۵۷). در تاریخ طبری گزارش کامل قتل عثمان و فتنه عبدالله بن سبا به نقل از شعیب بن ابراهیم از راویان سیف بن عمر آورده شده است؛ (طبری، بی‌تا: ۳۳/۴) به جز دو

روایت که یکی از آن دو را از نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۲ق)^{۱۴} به طور مستقیم نقل نموده - چه بسا به کتاب *الجمل* وی رجوع کرده باشد - و روایت دیگر را از مکاتباتش با علی بن احمد بن حسین عجللی^{۱۵} به دست آورده است. سیف نیز اخبار خود را از راوی و مفسر، ابی روق عطیه بن حارث همدانی، گرفته است. درباره حوادث مربوط به جنگ جمل طبری به روایاتی مانند واقدی و مدائنی نیز توجه نداشته است.^{۱۶}

نخستین روایت به نقل از سیف که در تاریخ طبری آورده شده مربوط به حوادث سال ده هجری است، سالی که مسیلمه بن کذاب در زمان حیات پیامبر ادعای پیامبری کرد. آخرین روایت طبری از او مربوط به حوادث سال ۳۶ق در دوران خلافت حضرت علی (ع) و آغاز جنگ صفین است که در آن علی (ع) برای دعوت معاویه به اطاعت، جریر بن عبدالله بجلی را به سوی وی فرستاد؛ پس از آن دیگر هیچ روایتی از سیف بن عمر در تاریخ طبری موجود نیست (طبری، بی تا: ۵۶۱/۴؛ جوادعلی، ۱۹۵۰: ۱۸۲؛ ملحم، ۱۹۹۸: ۷۶). مجموع آثار و گزارش های سیف حدود ۸۴۰ روایت در تاریخ طبری - با واسطه سری و زهری - است که ۵۳ مربوط به مدعیان پیغمبری، ۴۴ روایت وقایع رده، ۵۲ روایت وقایع خلافت ابوبکر، ۹۴ روایت حوادث خلافت عمر، ۱۱۰ روایت مربوط به فتنه دوره عثمان؛ ۹۸ روایت درباره خلافت حضرت علی (ع) و جنگ جمل، ۳۸۶ درباره فتوحات و ۳ روایت حاوی موضوع واقعه سقیفه است. بدینسان مشاهده می شود طبری در نقل حوادث صدر اسلام به روایات سیف استناد کرده و آن را بر اخبار ابومخنف، هشام بن کلیب، واقدی و مدائنی ترجیح داده است.

سؤالی که به ذهن خطور می کند چرا طبری به روایات سیف تا این حد اعتماد کرده است؟ به طوری که در تاریخ خود درباره حوادث سال ۱۰-۳۶ق به جز چند روایت کوتاه از دیگر مورخان، از روایات سیف استفاده کرده، آن چنانکه گویا کتاب تاریخ طبری انعکاس آثار سیف است؛ حال آنکه سیف از نظر محدثین ضعیف و متروک است (جوادعلی، ۱۹۵۴: ۴۸). هرچند طبری در مقدمه اثرش خود را از صحت و سقم روایات بری دانسته است (طبری، بی تا، ۵/۱)، اما تعداد بی شمار روایات سیف و استناد نکردن وی به سایر مورخان در حوادث و وقایع، نمی تواند توجیه و بینه ای مستدل برای تبرئه دیدگاهش باشد.

در پاسخ به این سؤال دو احتمال در نظر گرفت؛ از نظر طبری، روایات مربوط به اخبار رده به نقل از سیف موثق بوده و او به روایات راویان دیگر چون واقدی اطمینان نداشته است و یا اینکه طبری به سبب شهرت و اطلاع وسیع سیف از تاریخ اسلام که از اخباریان قدیمی بوده، خواسته است چهره ای دقیق و زنده از حادثه را به تصویر

بکشد (ملحم، ۱۹۹۸: ۷۴-۴۵؛ ابن فرحان، ۱۴۲۱: ۸۲؛ عزیزی، ۱۳۹۱: ۳۱۹). با این حال به نظر می‌رسد، اتفاق نظر طبری و سیف در تفسیر حوادث صدر اسلام و سعی مشترک آنان در اظهار این حوادث بدین گونه، می‌تواند نقش اساسی در گزینش طبری داشته باشد. طبری روایات سیف را یک منبع دست اول لحاظ کرده و درباره حوادث این مقطع از تاریخ اسلام به او اطمینان و اعتماد داشته‌است و از روایات منابع دیگر از قبیل زهری، عوانه بن حکم کلبی، ابومخنف، هشام بن کلبی، واقدی و مدائنی به عنوان منابع تکمیلی بهره می‌جوید. چنانکه در تاریخ طبری آمده‌است «... و اما برخی غیر از سیف گفته‌اند...».

۶. نتیجه‌گیری

کتاب الرسل و الملوک تألیف محمد بن جریر طبری، اثری عظیم است که نمی‌توان بدون توجه به آن در باب تاریخ اسلام پژوهش نمود. در دوران بعد اثر طبری پایه و اساس کتب تاریخی به شمار می‌رفت و مورخان با تکیه به روایاتش، تاریخ خود را نگاشته‌اند. البته این امر به منزله تأیید تمامی روایات، اخبار و شیوه تاریخ‌نگاری طبری نیست. طبری اخبار تاریخی را با ذکر سلسله سند کنار یکدیگر، ذکر کرده و منابع تاریخی‌اش به صورت بنای منظم و پیوسته نمی‌باشد؛ بنابراین با این روش امکان نقد و ارزیابی منابع طبری فراهم شده است. در این میان، طبری در فاصله سده ۱۱-۳۶ق، از مشایخ بلاواسطه خود سری، ۷۸۰ و از زهری ۶۰ روایت در حوادث تاریخی به ویژه اخبار رده، قتل عثمان، فتوحات ایران و جنگ جمل نقل کرده‌است. تمام روایات و اخبار تاریخی سری و زهری به نقل از سیف بن عمر تمیمی است. با تحقیق در آثار حدیثی و تاریخی اکثر مورخان و رجال‌شناسان، شخصیت علمی سیف خدشه‌دار و متهم به جعل و وضع حدیث بوده و روایاتش موثق نیست. با این توصیف روایاتی که طبری به نقل از سیف از طریق مشایخ خود سری و زهری در اثر تاریخش نقل کرده مستند نیست و وثاقت آنها محل تردید است؛ هر چند در منابع رجالی و فرهنگنامه‌ها، سری و زهری-مشایخ بلاواسطه طبری- از راویان ثقه و مورد اعتماد بوده و روایاتشان متقن است. بنابراین صحت و مستند بودن روایات تاریخ طبری از سیف جای تأمل دارد. وثاقت و صحت و سقم اخبار تاریخی منقول از سیف باید مورد نقد و ارزیابی قرارگیرد؛ و ارزش تاریخی آن دسته از حوادث و وقایع با مطابقت و مقایسه آن با آثار و منابع دیگر لحاظ می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در کتاب «المورخون و الفتنه الكبرى» محمد عدنان ملجم، این نام به صورت هناد بن السری بن مصعب بن سری تمیمی (م ۲۹۱ق) آمده است، ص ۶۱؛ در حالی که در همین اثر بار دیگر به صورت السری بن یحیی (م ۲۷۴ق) آورده شده است. در کتاب «الفهرست» ابن ندیم هناد بن سری آمده است، ص ۴۲۴. در سلسله مقالات «موارد تاریخ الطبری»، جوادعلی نیز السری بن یحیی ذکر شده است. با مراجعه به کتاب تاریخ طبری می‌بینیم که این نام به صورت هناد بن السری بن یحیی ضبط شده است، تاریخ الرسل و الملوك، ج ۳، ص ۱۸۶-۲۷۷. در اثر تاریخ الاسلام الذهبی (وفیات ۲۴۱-۲۵۰ق) اسم به صورت هناد بن السری بن ابی‌بکر آمده است، ص ۵۲۹-۵۳۰. در همین کتاب (وفیات ۳۳۱-۳۴۰ق) در شرح حال ابوالسری هناد بن السری بن یحیی آورده شده است که وی برادر هناد بن السری است و معروف به هناد صغیر است، ر.ک: وفیات سال ۳۳۱ق، ص ۶۳. از آنجایی که سال وفات ابوالسری در حدود ۳۴۰ق است و نیز با توجه به آن که در ذکر نام راویان وی اسمی از طبری صاحب تاریخ الرسل نیست؛ بنابراین بعید به نظر می‌رسد که ابوالسری هناد بن السری بن یحیی از مشایخ طبری باشد.
۲. اُسَید منسوب به اُسَید که بطنی از قبیله بزرگ تمیم است و البرجمی نسبتی است به بُراجم قبیله‌ای از تمیم بن مر؛ عبدالکریم سمعانی (۱۴۰۸)، الانساب، مؤسسه کتب الثقافیه، ج ۱، ص ۳۰۸؛ بُرجمی نسبتی است به بُراجم قبیله‌ای از تمیم بن مر که نام چند ایل تمیم بوده که با یکدیگر ائتلاف نموده و هم‌پیمان گشته‌اند؛ عسکری (۱۴۰۳ق)، عبدالله بن سبا، بیروت: دارالزهراء، ج ۱، ص ۷۳.
۳. دکتر قاسم سامرایی مجموع آثار سیف را با عنوان «الرده و الفتوح و مسیر عائشه» گردآوری و منتشر کرده است، نک: حسن بن فرحان المالکی (۱۴۲۱ق)، نحو إنقاذ التاريخ الإسلامي، بی‌جا، مرکز دراسته‌التاریخیه، ص ۴۵.
۴. شاکر مصطفی عنوان اثر دوم سیف بن عمر را با عنوان «عن الفتنه و وقعها لجمل و اخباره» نام برده است (۱۸۰/۱).
۵. دوری «الرده» و «الفتوحات» را دو اثر جدا از هم نام برده است (ص ۳۷).
۶. از مجموع نظرات و گزارش‌های پراکنده تاریخی نمی‌توان درباره آثار سیف قاطعانه نظر داد. اما عزیزی معتقد است که الفتوح داری ابواب و فصل‌هایی بوده که با عناوین کتاب‌الردّه و کتاب‌الجمل در ادوار مختلف در یک مجموعه و یا به صورت جداگانه در اختیار اهل علم قرار داشته است (عزیزی، ص ۳۱۶-۳۱۷).

۷. کتب إلى السرى، عن شعيب بن ابرهيم عن سيف؛ نکته قابل تأمل آنکه در تمام منابع تاریخی شعيب بن ابراهيم به جز از سيف بن عمر از شخص ديگر روايت نقل نکرده است.
۸. حدثنا عبید الله بن سعد الزهری، قال: أخبرنا عمی یعقوب بن ابراهيم قال: أخبرني سيف بن عمر. ۹. ياقوت حموی اسم این نقاط و شهرها را از سيف گرفته و در ذیل شهرها و اماکن واقعی وارد ساخته است (ياقوت حموی (بی تا)، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، ج ۲، ص ۱۴۲، ۴۶۰، ج ۴، ص ۵، ۸، ۲۴۹). سایر مؤلفان چون صاحب مراصد نیز روایات حموی را گرفته و در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند (عسکری، عبدالله بن سبا، ج ۲، ص ۹).
۱۰. بری آگاهی بیشتر نک: اصغر منتظرالقائم، «فاتح اصفهان»، مجله ادبیات دانشگاه اصفهان، دوره دوم، ش: ۱۵، صص ۲۵-۳۴.
۱۱. تلاش دقیق و تحقیق روشمند علامه عسکری درباره روایات سيف نگارنده را از بازخوانی و بررسی مجدد آن بی‌نیاز کرده است و علاقمندان را به آثار علامه ارجاع می‌دهد.
۱۲. در فهرست آثار محمد بن عمر واقدی از فتوح العراق، کتاب الجمل، کتاب الرده و الدار نام برده شده است (ابن ندیم، ص ۱۶۴).
۱۳. ابن ندیم ۳۲ اثر به ابوالحسن مدائنی نسبت داده که همه و یا اغلب آنها رساله‌هایی مختصر بوده‌اند. آثار مدائنی در حوادث صدر اسلام شامل موضوعاتی چون اخبار پیامبر (ص)، اخبار خلفاء، فتوحات می‌شد، کتاب الرده، فتوح العراق، الجمل، کتاب مقتل علی، کتاب مقتل الحسين و... را شامل می‌شد (ابن ندیم، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ فؤاد سزگین (۱۳۸۳)، تاریخ نگارش‌های عربی، مجلد سوم، تهران: انتشارات خانه کتاب، ج ۳، ۴۴۷، ۴۵۲).
۱۴. در منابع حدیثی و رجالی شیعه به جز کتاب وقعه صفین نصر بن مراحم منقری که پنج روایت از سيف آمده است، از وی نام برده نشده است.
۱۵. از زندگینامه علی بن احمد عجلی در منابع رجالی و تاریخی اطلاعی در دست نیست. طبری یک روایت در موضوع بیعت مردم با حضرت علی (ع) از او روایت کرده است.
۱۶. در تاریخ طبری از ابومخنف و مدائنی روایتی درباره اخبار شورش و قتل عثمان و جنگ جمل ذکر نشده است. نک: تاریخ‌الرسائل، ج ۴، ۵، ذیل وقایع سال ۳۵-۳۶ ق.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق-۱۹۶۵م). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج جمال‌الدین بغدادی (۱۹۸۶م-۱۴۰۶ق). الضعفاء و المتروکین، تحقیق عبدالله قاضی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابن حبان، محمد التميمي (۱۴۲۰ق). المجروحين في المحدثين، تحقيق حمدي عبدالمجيد السبلفي، رياض، [بي.نا].
- ابن حجر العسقلاني، احمد بن علي (۱۹۹۷م-۱۴۱۷ق). تحرير تقريب التذهيب، تحقيق بشار عواد معروف و شعيب الارنوط، بيروت: مؤسسه الرساله.
- ابن حجر العسقلاني، احمد بن علي (بي.تا). تهذيب التهذيب، بيروت: دارصادر.
- ابن عدی جرجانی، عبدالله (۱۹۹۷م-۱۴۱۸ق). الكامل في الضعفاء الرجال، تحقيق شيخ عادل احمد عبدالموجود، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ابن فرحان المالكي (۱۴۲۱ق-۲۰۰۰م). حسن، نحو إنقاذ التاريخ الإسلامي، بي.جا، مركز دراسه التاريخيه.
- ابن ناصرالدين، شمس الدين محمد الدمشقي (۱۴۱۴ق). توضيح المشتبه في ضبط اسماء الرواة و القابهم و كناهم، تحقيق محمد نعيم العرقسوسي، بيروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الاولى.
- ابن نديم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۳ش). الفهرست، ترجمه م.رضا مجددي، تهران: انتشارات كتابخانه ابن سينا.
- ابوحاتم الرازي، ابومحمد محمد (۱۹۵۲م-۱۳۷۲ق). الجرح و التعديل، هند: حيدر آباد، دايره المعارف العثمانيه.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۷ش). تاريخ ايران در قرون نخستين اسلامي، ترجمه جواد فلاطوري، تهران: انتشارات علمي و فرهنگي.
- ابونعيم احمد اصفهاني (۱۹۳۱م). ذكر اخبار اصفهان، ليدن: المحروسه.
- بلاذري، احمد بن يحيى (۱۴۱۲ق-۱۹۹۲م). البلدان فتوحها و أحكامها، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دارالفكر.
- پاشا، اسماعيل (۱۹۵۱م). هديه العارفين في اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، بيروت: داراحياء التراث العربي.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۵). دائره المعارف بزرگ اسلامي، زیر نظر كاظم بجنوردي موسوي، تهران: مركز دائره المعارف بزرگ اسلامي.
- كارل بروكلمان (بي.تا)، تاريخ الادب العربي، الجزء ثالث، نقله الى العربيه عبدالحليم النجار، قم: دارالكتب الاسلامي.
- جواد علي، موارد التاريخ الطبري، مجله المجمع العلمي العراقي، ۱۹۵۰م-۱۴۰۵؛ ۱۹۵۴م-۱۴۰۹ق.
- الخزرجي، صفی الدين احمد [بي.تا]. تذهيب تذهيب الكمال في اسماء الرجال، مصحح محمد عبدالوهاب فايد، قاهره: مكتب القاهره.
- خطيب بغدادی، ابوبکر [بي.تا]. تاريخ مدينه السلام، بيروت: دارالكتب العربي.
- الدارقطني، ابوالحسن علي (۱۹۸۶م-۱۴۰۶ق). الضعفاء و المتروكين، تحقيق صبحي البدری السارائي، بيروت: مؤسسه دارالرساله.
- الدوري، عبدالعزيز (بي.تا). بحث في نشاء علم التاريخ عند العرب، بيروت: المطبعه الكاثوليكيه.
- الذهبي، محمد بن احمد (۱۹۹۸م-۱۴۱۹ق). تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دارالكتب العربي.

الذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۹ق-۱۹۹۸م). تذکره الحفاظ، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه.

الذهبی، محمد بن احمد (۱۹۸۸-۱۴۰۸ق). دیوان الضعفاء و المتروکین، تحقیق فضیله الشیخ خلیلی المیس، بیروت: دارالقلم.

الذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲ق-۱۹۶۳م). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی، داراحیاء الکتب العربیه.

راتب عرموش، احمد (۱۹۹۳م-۱۴۱۳ق). الفتنه و وقعه الجمل، روایه سیف بن عمر الضبی الاسدی، دارالنفاس، [بی نا].

روزنتال، فرانتس (۱۳۶۵ش). تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه: اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس.

الزرکلی، خیرالدین (۱۹۸۶م). الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین.

سزگین، فؤاد (۱۹۸۳م-۱۴۰۳ق). تاریخ التراث العربی، المجلد الاول، الجزء الثاني، فی التدوین التاريخی، تحقیق محمود فهمی حجازی، قم: مکتبه المرعشی.

سزگین، فؤاد (۱۳۸۳ش). تاریخ نگارش های عربی، مجلد سوم، تهران: انتشارات خانه کتاب.

-السمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد ابن منصور التمیمی (۱۹۸۸م-۱۴۰۸ق). الانساب، تحقیق عبدالله البارودی عمر، مؤسسه الکتب الثقافیه، [بی جا].

مصطفی شاکر (۱۹۷۸م). التاريخ العربی و المورخون، بیروت: دارالملایین.

عزیزی، حسین (۱۳۹۱ش). نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

عسکری، مرتضی (۱۹۶۸م-۱۳۸۷ق). خمسون و مائه صحابی مختلق، قم: منشورات کلیه اصول الدین بغداد.

عسکری، مرتضی (۱۹۸۳م-۱۴۰۳ق). عبدالله بن سبا و اساطیر آخری، بیروت: دارالزهراء.

طبری، محمد بن جریر [بی تا]. تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، طه حسین (۱۹۷۰م)، علی و بنوه الفتنه الکبری، قاهره، درال معارف بمصر.

لوئیس، برنارد (۱۳۷۰ش)، بنیادهای کیش اسماعیلیه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات ویسمن.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷ش)، جانشینی محمد پژوهشی پیرامون خلافت نخستین، ترجمه احمد نمایی، مشهد: انتشارات آستان قدس.

محقق حلّی (۱۳۶۱ش)، شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. مدیرشانه چی، کاظم (۱۳۶۳ش)، درایه الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

المزّی، جمال الدین (۱۹۹۴م-۱۴۱۴ق)، تهذیب الکمال، چاپ سهیل زکّار، بیروت: دارالفکر.

منتظرالقائم، اصغر، «فاتح اصفهان»، مجله ادبیات دانشگاه اصفهان، دوره دوم، ش: ۱۵، صص ۲۵-۳۴.

۱۱۸ بررسی وثاقت روایات طبری در تاریخ الرسل و الملوك

ملحم، محمد عدنان (۱۹۹۸م)، المورخون العرب و الفتنة الكبرى، بیروت، [بی نا].
ولهاوزن، یولیوس (۱۳۷۵ش)، تاریخ سیاسی صدر اسلام، ترجمه: محمود افتخارزاده، قم: نشر معارف اسلامی.

حموی، یاقوت (بی تا)، معجم الادباء و ارشاد الی معرفة الادیب، بیروت: دارالکتب العلمیه.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۴۱۳ق)، التاریخ، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

پایان نامه: فرهنگ بسامدی . شرح حال راویان بلافصل طبری در تاریخ الرسل و الملوك، محبوبه فرخنده زاده، استاد راهنما، دکتر سیدجمال موسوی، استاد مشاور، دکتر هادی عالم زاده، دانشگاه تهران، مقطع کارشناسی ارشد، تاریخ دفاع: ۱۳۸۴/۱۲/۱.